

واژه «جمهوری اسلامی» نخستین بار توسط میرزا مطرح شد

۱۴ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۳۳

یکی از پژوهشگران حوزه علمیه قم در سالروز شهادت میرزا گفت: در تقید میرزا به اسلام و تلاش برای اجرای احکام اسلامی، جای کوچک‌ترین تردیدی نیست و شاید بد نباشد اشاره کنم واژه «جمهوری اسلامی» نخستین بار توسط میرزا مطرح شد.

تعامل تاکتیکی و موقت مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی با روس‌ها، باتاب‌های متنوع و حتی متضادی در تاریخ نگاری نهضت جنگل داشته است. برخی از تحلیل‌گران در این باره تا بدان جا پیش رفته‌اند که او نهضتش را، وابسته به اردوگاه کمونیزم بین الملل و از ابواب جمعی جریان چپ معرفی کرده‌اند! در گفت و شنودی که پیش روی دارید، حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ذاکری از پژوهشگران حوزه علمیه قم به بررسی این انگاره پرداخته است. امید آنکه مفید افتد.

*به نظر شما علت سکوت و حتی برای مدت کوتاهی مماشاتِ میرزا کوچک خان با بلشویک‌های شوروی چه بود؟ آیا میرزا نسبت به آنان خوش‌بین بود؟ یا شناخت کافی از آنها نداشت و یا همچون برخی از اطرافیانش که به سوسیالیسم گرایش داشتند، از مخالفت صریح با آنها خودداری می‌کرد؟

بلشویک‌ها، حکومت تزار را که میرزا سال‌ها با آن درگیر بود شکست داده و با شعارهای آزادی‌خواهانه قدرت را در دست گرفته بودند. روسیه تزاری جنایات زیادی را در حق ایران مرتکب شده بود. انحلال مجلس، تحمیل قراردادهای ننگین به ایران، اشغال شمال ایران در توافق با انگلستان، تبعه کردن مالکان بزرگ شمال ایران برای معاف کردن آنها از دادن مالیات و هزاران تعدی و جنایت دیگر، تنفر هر ایرانی وطن دوستی را برمی‌انگیخت. طبیعی است وقتی چنین رژیم ساقط می‌شود و رهبر جدید روسیه، لنین با شعار آزادی برای تمام ملت‌ها نسخه تشکیل حکومت می‌دهد و از جنبش‌های استقلال طلبانه و آزادی‌خواهانه استقبال می‌کند و می‌گوید: این خود مردم هستند که باید سرنوشت خود را در دست بگیرند و قراردادهای قبلی با ایران را ملغی می‌کند، طبیعی است در ذهن افرادی که سال‌ها زیر بار ظلم‌های حکومت تزاری بوده‌اند، خوش‌بینی ایجاد می‌کند و همکاری با آنان از نگاه آزادی‌خواهان دنیا، نه تنها بد نیست که عین عقلانیت است! از همه مهم‌تر اینکه بلشویک‌ها مدعی مبارزه با انگلستان و افراد وابسته به آنها بودند. بنابراین میرزا چاره‌ای جز همکاری با حکومتی که نیروهایش را به داخل کشور ما آورده بود و در عین حال شعار آزادی‌خواهی هم می‌داد نداشت. این‌طور نیست که بلشویک‌ها توانسته باشند شرایط خود را بر میرزا تحمیل کنند، بلکه او با شرایط بسیار عزتمندانه‌ای حاضر شد با آنها همکاری کند.

*هدف میرزا از این همکاری چه بود؟ او در پس از تعامل‌دربی به دست آوردن چه چیز یا چیزهایی بود؟

او می‌خواست در عین حال که اهداف ملی خود را محقق می‌سازد، از تخریب ورود ارتش سرخ هم کم کند. مهم‌تر از همه اینکه بلشویک‌ها با انگلستان که سالیان سال شرایط و قراردادهای خفت‌باری را بر کشور ما تحمیل کرده بود، موافق نبودند و به میرزا قول داده بودند در بر چیده شدن بساط آنها از ایران کمک خواهند کرد. در داخل هم امثال وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله نهایت تلاش خود را برای از بین بردن نهضت جنگل کردند، اما موفق نشدند و میرزا می‌خواست با کمک بلشویک‌ها با آنها مبارزه کند. از سوی دیگر میرزا تلاش می‌کرد استقلال کشور را حفظ کند و هواداری بلشویک‌ها از آزادی ملت‌ها و لغو قراردادهای استعماری نه تنها در میرزا، که در هر انسان آزاده‌ای گرایش به حکومت جدید روسیه را تقویت می‌کرد.

*اما همین همکاری شائبه‌هایی را در باره میرزا برانگیخت که او از افکار اسلامی خود فاصله گرفت و به افکار کمونیستی گرایش پیدا کرد. این انگاره را چگونه تحلیل می‌کنید؟

میرزا هدفی جز استقلال کشور نداشت و برای اینکه بتواند در برابر تندروی‌های حزب کمونیستِ عدالت که در باکو توسط ایرانی‌های طرفدار کمونیسم تشکیل شده بود تا اهداف بلشویک‌ها را در ایران پیاده کند، ناچار شد با ارتش سرخ همکاری کند. تمام هدف میرزا این بود که انگلستان با وجود این رقیب تازه نفس و سرسخت، دست از خواسته‌های ناحق خود بردارد. از سوی دیگر برخورد لنین و رهبران جدید شوروی به شکلی نبود که کسی تصور کند آنها با اعتقادات دینی مردم مشکلی دارند. لنین حتی در ۲۰ نوامبر ۱۹۱۷ همراه با استالین که آن موقع رئیس کمیساریای ملی بود، اعلامیه‌ای را انتشار داد که در آن منعی برای احیای مساجد توسط مسلمانان و انجام مراسم دینی وجود نداشت، به همین دلیل میرزا و بسیاری از متدینین امیدوار شده بودند آنها کاری به اعتقادات مردم نخواهند داشت. بلشویک‌ها با طرح این نوع شعارها و اعلامیه‌ها، به هر جا قدم گذاشتند با استقبال روبرو شدند و توانستند رقیب سرسختی چون انگلستان را که مسلمانان از او نفرت داشتند، از میدان به در کنند. مضافاً بر اینکه هنوز عملی از بلشویک‌ها صادر نشده بود که کسی را نسبت به اهداف آنان مشکوک کند. آنها با ادعای آزادی‌خواهی برای همه ملت‌های مظلوم به میدان آمدند و در ابتدای امر هم تا حدی موفق هم شدند. لنین به تمام مسلمانان جهان وعده داد اگر با انقلاب روسیه همراهی کنند، به آنها کمک خواهد کرد که استقلال و آزادی خود را به دست آورند. این وعده برای کشورهای اسلامی، مخصوصاً کشورهای عربی که پس از فروپاشی عثمانی، برای به دست آوردن استقلال خود با انگلستان و فرانسه درگیر بودند، بسیار امیدوارکننده بود. میرزا هم به استناد حرف‌های لنین و رهبران انقلاب روسیه، دخالت‌های بی‌مورد ارتش سرخ را در ایران ناشی از کج‌فهمی‌های بعضی از فرماندهان ارتش سرخ دانست و سعی می‌کرد با استناد به شعارهای رهبران شوروی، جلوی تجاوزات آنها را بگیرد.

*به نظر شما علت کودتای بلشویک‌ها در ایران چه بود؟ این رویکرد در پی تحقق چه اهدافی بود؟

اتفاقاً این مسئله‌ای است که در باره نهضت جنگل مورد غفلت قرار گرفته است. کودتای سرخ حدود یک ماه پیش از برگزاری

کنگره بین‌الملل سوم صورت گرفت. هدف هم این بود که افراد منتخب میرزا که قطعاً آدم‌های متدینی بودند، به این کنگره فرستاده نشوند و به‌جای آنها کسانی بروند که با حکومت شوروی همسویی بیشتری داشتند. از سوی دیگر رهبران شوروی در نادیده گرفتن بعضی از اصول کمونیسم، از جمله پشتیبانی از مسلمانان مشکلی نمی‌دیدند، اما کمونیست‌های دو آتشه محلی، از جمله همان کسانی که دست به کودتای سرخ زدند، این نظر رهبران خود را قبول نداشتند. میرزا کوچک‌خان خیلی خوب متوجه این نکته شده بود و از لنین خواست از مردم ایران حمایت کند.

در این کنگره هیچ نشانه‌ای مبنی بر مخالفت بلشویک‌ها با انجام شعائر اسلامی مسلمانان دیده نشد و حتی وقتی صدای اذان از مناره‌های شهر بلند شد، انورپاشا از جا برخاست و بسیاری از نمایندگان مسلمان کمونیست و غیر کمونیست همراه او نماز خواندند! البته عده‌ای از کمونیست‌ها، از جمله بنیادزاده از کمونیست‌های آذربایجان، این حرکت را تاب نیاورد و دست به تخریب وی زد و تلاش کرد از سخنرانی او در کنگره جلوگیری کند.

میرزا انسان آزاده‌ای بود و صرف اظهار نظر و بیان عقیده از نظر او اشکالی نداشت، اما با تبلیغ مرام کمونیستی موافق نبود و سعی کرد این مسئله را به بلشویک‌ها بقبولاند. آنها قول‌هایی دادند، ولی به آن عمل نکردند. مهم‌ترین هدف میرزا، رهایی کشور از اشغال انگلیس و لغو قرارداد ننگین ۱۹۱۹ بود، به همین دلیل به‌شدت از درگیری نیروهای جنگل و پراکنده شدن آنها پرهیز می‌کرد و اگر هم با اعتقادات برخی از افراد مخالف بود، به شکلی با آنها برخورد می‌کرد که اختلافی که برای نهضت جنگل ضرر داشته باشد، پیش نیاید. افزودن شرط ممنوع بودن تبلیغ عقاید کمونیستی در ایران در قرارداد میرزا با روس‌ها، کاملاً مخالفت او را با کمونیسم نشان می‌دهد. او در نامه‌ای صراحتاً به لنین می‌گوید: این تبلیغات مخالف باورهای عمیق مردم مسلمان ایران است و سبب گرایش بیشتر آنان به انگلستان می‌شود! میرزا فرقی بین دخالت انگلیسی‌ها با روس‌ها یا هر کشور دیگری قایل نبود و اگر روس‌ها هم روش انگلیسی‌ها را در پیش می‌گرفتند، آنان را دشمن ایران تلقی می‌کرد. قطعاً بر این باور بود که کمونیسم هیچ تناسبی با باورها و سنت‌های مردم ایران ندارد و در این باره موضع‌گیری قاطعی داشت. مخالفت او با احسان الله خان هم به همین دلیل بود. او معتقد بود در مرحله مبارزه با دشمنان خارجی و داخلی، باید اختلاف عقیده را کنار گذاشت و پس از فیصله دادن به کار دشمنان، مردم خود، روش حکومتی خود را انتخاب می‌کنند. احسان الله خان در فکر ترویج مرام کمونیستی بود که میرزا زیر بار نمی‌رفت و به هیچ وجه به کمونیست‌ها اجازه تبلیغ نمی‌داد.

*ولی کمونیست‌ها دست از تبلیغ برنداشتند. اینطور نیست؟

فقط هم مسئله تبلیغ نبود. آنها به کارهای خلاف هم دست زدند، از جمله به مردم حمله و اموال آنها را غارت می‌کردند. میرزا به‌شدت با این نوع اعمال مخالف بود و به خالو قربان و احسان الله خان در نامه‌ای هشدار داد: این نوع اعمال چنان نفرتی را نسبت به سوسیالیسم و بلشویسم در مردم ایجاد کرده است که آنها حتی دوست ندارند این اسم‌ها را در خواب هم بشنوند! این نوع موضع‌گیری‌های میرزا سبب شد بلشویک‌ها و طرفدارانشان با روش‌های غیر اخلاقی دست به تخریب او بزنند و دقیقاً در شرایط بسیار حساسی که کشور نیاز به وحدت و همبستگی همه نیروها داشت، آرامش را به هم زدند و باورهای دینی را در جوانان سست

کردند. میرزا به شدت با این اعمال مقابله کرد و به دفاع از ارزش‌ها پرداخت و به کمونیست‌ها هشدار داد با این کارهایشان خشم و نفرت مردم را علیه نهضت جنگل برمی‌انگیزند. بدیهی است کمونیست‌ها دست از رفتارهای مخرب خود برنداشتند و ایادی انگلیس هم از این آشفتگی نهایت استفاده را کردند و علیه میرزا و جمهوری نوپنیا او، دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. سرانجام شوروی با استفاده از حزب عدالت در باکو کودتای سرخ را سامان داد که منجر به دستگیری عده‌ای از یاران میرزا شد که در رشت مانده بودند. میرزا هم برای جلوگیری از درگیری عقب‌نشینی کرد.

میرزا با غارت و آزار و اذیت مردم به شدت مخالف بود. پس از توافق انگلیس، روسیه و دولت مرکزی ایران، روسیه فرماندهان ارتش سرخ و نیروی دریایی روسیه را فرا خواند و ادعا کرد در ایران نیرویی ندارد! و کسانی که در ایران ادعای فرماندهی نیروهای روس را می‌کنند، ربطی به دولت روسیه ندارند. این مسئله مجوز لازم را برای سرکوب کامل نهضت جنگل به حکومت مرکزی ایران داد. بدین ترتیب روس‌ها با کمال جوانمردی پشت میرزا را خالی کردند و او ناچار شد برای جلوگیری از درگیری به جنگل عقب‌نشینی کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان چپ سعی کرد میرزا را مصادره به مطلوب کند. تحلیل شما از این رویکرد بی‌فرجام چیست؟

وقتی پژوهش دقیق صورت نگیرد و حرف‌ها مستندات محکمی نداشته باشند، بدیهی است هر جریانی سعی می‌کند شخصیت‌های بزرگ را مصادره به مطلوب کند. در تقید میرزا به اسلام و تلاش برای اجرای احکام اسلامی، جای کوچک‌ترین تردیدی نیست و شاید بد نباشد اشاره کنم واژه «جمهوری اسلامی» نخستین بار توسط میرزا مطرح شد. میرزا از دوره مشروطه در میدان مبارزه بود و بدیهی است تلاش می‌کرد از هر روشی برای مبارزه با استعمار و استبداد استفاده کند. به نظر میرزا، کمونیسم به هیچ‌وجه با باورهای مردم مسلمان، به‌ویژه مردم دیلمان که نخستین ناحیه در ایران است که مذهب تشیع را پذیرفت، سازگاری ندارد و هر نوع تلاشی برای تبلیغ مکاتب ضد توحیدی به شکست منجر می‌شود. سوسیالیست جلوه دادن میرزا، نهایت بی‌انصافی و عدم اشراف به مستندات تاریخی است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۸۹۶/مطرح-میرزا-توسط-پار-نخستین-اسلامی-جمهوری-واژه/>